

A Critical Analysis of Individualism on the Foundational Principles of Family; A Study on the Phenomenon of Celibacy and Refraining from Childbearing in Islamic Teachings and Culture

Seyyed Mahdi Rahmati¹

Abstract

Culture is a factor that gives direction and meaning to human life, which, depending on its underlying principles and rules, will have a different scope of influence. The Islamic culture, in the sense of a cohesive set of values and beliefs centered on monotheism, has shown considerable attention to the foundation of the family and the necessity of its timely formation, strengthening, and flourishing. However, contemporary life has led to an individualism that is contrary to the core principles of the pure human nature (fitra).

The current library-based research, focusing on the position of the individual and the subject of society in Islamic culture, employs a descriptive-analytical method to analyze and evaluate the issue of the influence of individualism on celibacy and refraining from childbearing from the perspective of Islamic culture.

The findings of the research indicate that the values of individualism not only do not negate individual and social values but are meaningfully related to them. The individual, by facing the challenge of upholding their authenticity in the context of rights and private boundaries—not only in marital relations but also in forming a family and expanding human relationships—will experience a personal fulfillment that transcends mere emotional bonds through marriage and childbearing. This is a topic based on divine promises of temporal and eternal rewards for the married individual, and it provides the foundation and environment for the formation of a family. This strengthens the individual and society and removes the probable fear and anxiety surrounding marriage and childbearing.

Keywords: Marriage, Childbearing, Celibacy, Individualism, Islamic Culture.

¹ Assistant Professor, Department of Theology (Quranic Sciences and Hadith), Gonbad-e Kavous University (rahmati@gonbad.ac.ir)

تحلیل انتقادی فردگرایی بر بنیان‌های فطری خانواده؛ مطالعه‌ای بر پدیده تجرد و امتناع از فرزندآوری در آموزه‌های دینی و فرهنگ اسلامی

سید مهدی رحمتی^۱

چکیده

فرهنگ عاملی جهت‌بخش و معناآفرین در زندگی نوع بشر است که بسته به مبانی و اصول مندرج در خود، گستره‌ی تأثیرگذاری متفاوتی خواهد داشت. در این میان فرهنگ اسلامی به معنای مجموعه‌ی ارزش‌ها و بینش‌های توحید محور، توجه‌شایانی به بنیان خانواده و ضرورت تشکیل به‌موقع، تحکیم و شکوفایی آن نموده است. این در حالی است که فردگرایی برآمده از زندگی کنونی بشر در دنیای مدرن و آثار مترتب بر آن به مصاف این بنیاد فطرت‌گزين رفته است. پژوهش‌های کتابخانه‌ای حاضر با تمرکز بر فرهنگ اسلامی و موضوع جایگاه فرد در جامعه، به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، مسئله تأثیر فردگرایی بر تجرد و پرهیز از فرزندآوری را از منظر فرهنگ اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است ارزش‌های فردی و اجتماعی نه‌تنها یکدیگر را نفی نکرده بلکه در نسبت معناداری با یکدیگر قرار دارند. فرد با وجود برخورداری از حقوق و حریم شخصی با درآمدن در رابطه زوجیت، نه‌تنها با چالش از دست دادن اصالت خویش روبرو نمی‌شود، بلکه با تشکیل خانواده و توسعه‌ی روابط انسانی خاص و متعلق به خود از طریق ازدواج و تولد فرزند احساسی فراتر از بهره‌مندی شخصی را تجربه خواهد کرد. موضوعی که با وعده‌های الهی مبنی بر پاداش‌های دنیوی و اخروی فرد متأهل و زمینه‌سازان شکل‌گیری خانواده، انگیزه فرد و جامعه را تقویت کرده و بسترهای احتمالی هراس از ازدواج و تولد فرزند را از میان می‌برد.

کلیدواژه: ازدواج، فرزندآوری، تجرد، فردگرایی، فرهنگ اسلامی

^۱دانشیار گروه الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه گنبد کاووس: rahmati@gonbad.ac.ir

خانواده نهاد اجتماعی به ظاهر کوچک اما جهان‌شمولی است که آثار و کارکردهای گسترده‌ی فردی و اجتماعی در ساحت‌های زیستی، روانی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشته و از ابتدای تاریخ تاکنون زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ و تمدن بشری بوده است (حاجی اکبری، رحمتی، ۱۴۰۲: ۱۳۱). اصیل‌ترین نهاد اجتماعی که از سوی ادیان الهی مورد اهتمام واقع شده و بخش قابل‌توجهی از آموزه‌ها و تعالیم دینی را به خود اختصاص داده است. از این‌رو تعالیم رشد‌آفرین و سعادت‌محور اسلام، عنایت ویژه‌ای به نگاهداشت و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز دارد. آن‌طور که رسول مکرم اسلام (ص) این نهاد ارزشمند را گرانمایه‌ترین بنیان بشری دانسته و درباره‌ی آن می‌فرماید:

«مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۳/۳).

نهادی که بر پایه ازدواج مرد و زن، شکل‌گرفته و با فرزندآوری، تجدید نسل بشری را ضمانت می‌نماید. در این میان فرزندآوری در اندیشه‌ی اسلامی از جایگاه متمایزی برخوردار است. چراکه در منظومه‌ی فکری اسلام، تنها بقای نسل آدمیان هدف نبوده، بلکه پرورش نسل توحیدی بیش از همه موردتوجه است. امری که افزون بر تأمین هدف یاد شده، رضایت الهی را در پی داشته و زمینه‌ساز استحکام خانواده، رضامندی زوجین، افزون شدن روزی و سعادت‌مندی خانواده خواهد شد (پناهی، ۱۳۹۵: ۳۳).

تغییرات سترگ و دگرگونی‌های شگرف دوران کنونی اضافه بر پدید آمدن فن‌آوری‌های نوین و تغییر در سبک زندگی آدمیان، سبب پیدایش تفکرات جدید در عرصه‌ی نگرش به ساحت خانواده و چرایی و چگونگی درآمدن در آن شده است. تغییراتی ساختاری و کارکردی که خانواده را با خطر از هم پاشیدن و بی‌ثباتی روبرو



ساخته و منجر به نهادینه شدن تجرد و پرهیز از تن دادن به تشکیل خانواده می‌شود. افزایش سن ازدواج، پایین آمدن رضایتمندی همسران، کاهش تشکیل خانواده و به دنبال آن پایین آمدن نرخ باروری در زمره‌ی مهم‌ترین این آسیب‌ها به شمار می‌رود. در این میان ظهور فردگرایی در عرصه‌ی خانواده را می‌توان همان تغییر ارزش‌های خانواده به معنای ارجحیت خواسته‌های فردی بر خواسته‌های جمعی دانست. (بالاخانی، ملکی، ۱۳۹۶: ۷). عاملی که خود زمینه‌ی تجرد و عدم تمایل به فرزندآوری را سبب شده است (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۴). نگاشته‌ی حاضر با توجه به کثرت عوامل اثرگذار بر بنیان خانواده و تحکیم آن، تنها بر مسئله‌ی خود متمرکز شده و پس از یادکرد پیشینه تحقیق، به ارائه‌ی مفهومی دقیق از فردگرایی و گستره‌ی آن می‌پردازد. سپس با واکاوی گزاره‌های برآمده از قرآن کریم و روایات اسلامی، اشارتی بر کارکردهای بنیان خانواده نموده و مهم‌ترین عوامل تحکیم‌بخش این نهاد و آسیب‌های پیش روی آن را برشمرده و در فرجام با تمرکز بر آسیب فردگرایی، راهکارهای تقلینی مواجهه‌ی صحیح با این آفت را دنبال خواهد نمود.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزه‌ی خانواده با رویکرد اسلامی را می‌توان در دو دسته‌ی کلی جای داد. گروه نخست پژوهش‌هایی است که با تمرکز بر عوامل پیشینی، تشکیل خانواده را ملاک نظر قرار داده و دسته‌ی دوم، مطالعاتی است که با تکیه بر عوامل پسینی مؤثر بر تحکیم خانواده، حفظ این بنیاد ارزشمند را دنبال نموده است. در این میان تجرد و عدم تمایل بر فرزندآوری دوگانه‌ای است که هر دو جنبه‌ی تشکیل و تحکیم خانواده را تهدید می‌نماید. چه این امر که ریشه در فردگرایی دارد، از یک سو عاملی بازدارنده در برابر شکل‌گیری بنیان خانواده شده و از سوی دیگر





فرزندآوری را که خود یکی از عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده است را به مصاف می‌آید.

از جستارهای سازمان‌یافته در دسته‌ی تشکیل خانواده می‌توان به تحقیق «بررسی فرزندآوری و تداوم نسل از منظر قرآن و حدیث» (آهنگر، ۱۴۰۲) اشاره کرد. پژوهشگر این اثر بر آن است که فرزندآوری و تربیت نسل، مسئولیتی مقدس و جدی است که انجام آن به عنوان یک وظیفه الهی مورد توجه خداوند متعال و اولیای دین قرار گرفته است. این مقاله با تأکید بر نقش مثبت فرزندان صالح در زندگی و شادی آفرینی حضور ایشان، سعی بر افزایش میل و رغبت نسبت به مقوله‌ی فرزندآوری نموده است.

نمونه‌ی قابل ذکر دیگر در این عرصه، مقاله «اهمیت فرزندآوری در جامعه فردگرا» نگاشته‌ی افرا و همکاران (۱۴۰۱) است. نگارندگان این مقاله، عامل فرهنگی را مهم‌ترین عامل افول ارزش فرزندآوری در دوران کنونی قلمداد کرده و غلبه تمایلات و خواسته‌های فرد بر جامعه و گسترش روزافزون فردگرایی را موجب کاهش اهمیت فرزندآوری دانسته‌اند.

اما در میان پژوهش‌های صورت گرفته‌ی متعلق به دسته‌ی دوم که همان حوزه‌ی تحکیم خانواده است، می‌توان به پژوهش «عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی» (حسن‌زاده، ۱۳۹۳) اشاره کرد. نگارنده‌ی این مقاله با تأکید بر عنصر حسن معاشرت و تأکید بر اهمیت ریشه‌دار ساختن روحیه جمع‌گرایی و مشورت در خانواده، داشتن خانواده‌ای مستحکم و صمیمی را بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی دانسته است.

نمونه قابل ذکر دیگر در این عرصه مقاله‌ی «عوامل مؤثر در استحکام خانواده

از نظر آموزه‌های دینی» (معتمدی، ۱۳۹۹) است. این جستار پس از تأکید نقش کلیدی خانواده بر سلامت، رشد و پویایی جامعه، بر آن است که متون دینی دربردارنده‌ی سفارش‌های اخلاقی، اعتقادی و عبادی فراوانی است که پایبندی به آن‌ها منجر به تقویت و استحکام خانواده می‌شود.

بنابراین با تأمل بر پژوهش‌های صورت پذیرفته می‌توان دریافت که مسئله‌ی «تحلیل انتقادی تأثیر فردگرایی بر تجرد و پرهیز از فرزندآوری با تأکید بر فرهنگ اسلامی» همچنان نیازمند بررسی‌های مستقل بوده و جنبه‌ی نوآوری تحقیق حاضر را تأیید می‌نماید.

ادبیات تحقیق

فردگرایی اصطلاحی است که گرچه در قرن نوزدهم به صورت مستقل مطرح گشت اما تاکنون به شیوه‌هایی متفاوتی ارزیابی شده است. این اصلاح آن هنگام که با رهایی از اجبارهای اجتماعی و الزامات جفاگونه در ارتباط است، امری مثبت تلقی می‌شود اما آنگاه که در معنای جدایی از دیگران، نبود احساس تعهد متقابل و منفعت‌گرایی شخصی به آن نگریسته می‌شود، مفهومی منفی و ضداجتماعی به شمار می‌آید (قادری و القونه، ۱۳۹۶: ۲). فردگرایی موضوعی است که بر مطالعات دانشیان علوم اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است. به گونه‌ای که برخی مانند تونیس به بعد منفی آن و برخی دیگر همچون دورکیم، ابعاد مثبت آن را مورد توجه قرار داده‌اند (محمودی و ممبینی، ۱۳۹۲: ۲). برداشت مدرن از فردگرایی با فروپاشی نظم مذهبی، اقتصادی و اجتماعی قرون وسطی رخ نمود (تریان‌دیس، ۱۳۷۸: ۲۵۷). امری حائز اهمیت در دوران مدرنیته که از رنسانس به بعد همواره درباره اهمیت فلسفی آن بحث شده و در فرجام، اقتصاد سیاسی حاکم اعتبارش را قطعی ساخت. فردگرایی مفهومی است که





بازگشت به اصالت انسان یا همان «اومانیسم» شکل گرفته در قرون جدید دارد. بنیانی که بر اساس آن، خدمت به انسان، یگانه هدف موردنظر برای تمام مقاصد عالی بشر است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۴۲) خودباوری، خودشکوفایی، اعتمادبه‌نفس و استقلال فردی را می‌توان ثمره‌ی فردگرایی مثبت دانست. درحالی‌که فردگرایی منفی معطوف به خودمداری، کسب سود شخصی به قیمت ضرر کردن دیگران، اتکای افراطی به خود و داشتن شخصیت اقتدارگرا می‌باشد (معیدفر و صبوری، ۱۳۸۹: ۹۴). بنابراین فردگرایی موردانتقاد در پژوهی حاضر همان فردگرایی منفی است. آئین یا اصلی که منافع و علایق فردی را بر مصالح جمعی ترجیح می‌دهد. رویکردی که کلّ اجتماعی را فاقد ارزش یا اهمیت اخلاقی دانسته و تمامی ارزش‌ها را ناشی از افراد می‌شناسد. این دیدگاه آثار و پیامدهای سوئی را بر پیکره‌ی جامعه در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برجای گذاشته که تأثیرگذاری آن بر مسئله‌ی تشکیل و تحکیم خانواده مورد اهتمام این جستار است.

کارکردهای بنیان خانواده

نهاد خانواده گرچه در گذشت زمان و به‌ویژه در چند قرن اخیر، شکل‌های مختلفی را پذیرفته و در فرهنگ‌های گوناگون به قالب‌های متفاوتی درآمده، اما همچنان بسیاری از کارکردهای خود را حفظ نموده است. از نگاه ثقلین شریف، حکمت‌ها و دلایل متنوع روانی، اخلاقی، اجتماعی زمینه‌ساز شکل‌گیری بنیان خانواده است. دلایلی وحی بنیان و عقل‌پذیر که اصول و پایه‌های تأکید اسلام بر تشکیل خانواده و ضرورت تقویت و تحکیم این نهاد و صیانت از آن شمرده می‌شوند. اندیشمندان مسلمان، شش کارکرد اساسی؛ تولیدمثل و تنظیم رفتار جنسی، جامعه‌پذیری و تأمین پایگاه اجتماعی، حمایت و مراقبت عاطفی (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۳) را برای

خانواده بر شمرده‌اند که در ادامه به بیان اجمالی آن می‌پردازیم.

تولیدمثل و تنظیم روابط جنسی

از نگاه آنان که برای خانواده قداست قائل نیستند، هدف اصلی از تشکیل خانواده، بهره‌گیری از تمتّعات جنسی است؛ بلکه در بسیاری از موارد، هدفی جز این وجود ندارد. این در حالی است که گرچه کارکرد تنظیم روابط جنسی را شاید بتوان نخستین انگیزه‌ی درآمدن در نهاد خانواده و کارکرد آن به شمار آورد اما منحصر ساختن ازدواج به این امر سخنی نسنجیده و برآمده از نگاه مقطعی است. چراکه یکی از هدف‌های ازدواج و تشکیل خانواده، تأمین نیازهای جنسی زن و مرد است. بی‌شک، بدون روابط جنسی مطلوب، زندگی زناشویی با سعادت و شیرینی همراه نخواهد بود. به‌گونه‌ای از نظر برخی محققان، بسیاری از ناکامی‌ها و مشکلات خانوادگی معلول ناسازگاری‌های جنسی هستند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۴۱). در نگاه دین واقع‌نگر اسلام که آموزه‌ها و تعالیم آن ناظر بر نیازهای حقیقی بشر و بر آورنده‌ی مصالح وی است، رفتار جنسی، رفتاری هدفمند است که تنظیم صحیح آن، بهداشت روانی افراد را تأمین نموده و زمینه‌ساز برخورداری از نسلی سلامت خواهد بود. خاتم ادیان توحیدی، غریزه‌ی جنسی را موهبتی خداداد قلمداد نموده و با مثبت‌انگاری همه‌جانبه آن را مورد توجه قرار داده است. نیازی که نشان از تدبیر الهی داشته (نساء، ۱) و سبب‌ساز پیوند مرد و زن و به دنبال آن استمرار حیات بشری دارد (مصابح یزدی، ۱۳۹۱: ۲/۲۴۱). شایسته‌ی تأمل است که معجزه‌ی خاتم ادیان توحیدی آنگاه که سخن از خلقت زن و مرد و قرین شدن آنان با یکدیگر می‌نماید. هیچ‌یک از و کارکردهای شناخته‌شده همچون «بقای نسل یا فرزند صالح، پیشگیری از فساد یا سازندگی اخلاقی و اجتماعی و یا توسعه ارزش‌های اسلامی» را اولویت نمی‌بخشد.





بلکه حکمتی را در میان می‌نهد که بدون آن، هیچ‌یک از اهداف خلقت انسان، قابل تحقق نیست و آن، آرامش روانی است. آدمی هرگاه استقرار یابد و دغدغه و نیازهای اولیه‌اش برطرف شود، می‌توان از آن انتظار تربیت نسل سالم و صالح، سازندگی فردی و اجتماعی، گسترش آرمان توحید و پیشرفت و تمدن‌سازی داشت. اما هنگامی که به خود مشغول گشته و سیر نزول و انحطاط را دچار شود، دیگر امید رهایی و تحقق مسجود ملائک شدن را نمی‌توان روا دانست. و این همان راز گفتار خداوند متعال است که فرمود:

{وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ} (روم، ۲۱).

جامعه‌پذیری امن در سایه‌سار حمایت و مراقبت

دستیابی به پایگاهی امن، به‌دوراز رنج و حمایت‌گر دیگر کارکرد قابل توجه خانواده است. انسان موجودی نیازمند است که بدون یاری دیگران، توانایی برآوردن نیازهای خویش را ندارد. ازاین‌رو، استعدادهای انسان‌ها متفاوت آفریده شده تا بتوانند نیازهای یکدیگر را برآورده سازند (اسراء، ۲۱). روشن است که این نیازمندی، مخصوص ساحتی خاص از زندگانی بشر نیست، بلکه در ساحت‌های مختلف زندگی انسان جریان دارد. یکی از این ساحت‌های نیاز انسان، نیاز به مراقبت و حمایت است. جلوه‌های این نیاز را در همه مراحل عمر انسان می‌توان به‌روشنی مشاهده کرد، هرچند در دوران نوزادی و خردسالی و نیز پیری و سالمندی، این نیاز ظهور و بروز بیشتری دارد (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۸: ۶). بی‌شک، هیچ انسانی را نمی‌توان یافت که خود را بی‌نیاز از مهر و محبت دیگران بداند. ازاین‌رو یکی از عوامل مهمی که انسان را به‌سوی ازدواج و تشکیل خانواده سوق می‌دهد، نیاز به

عاطفه و همراهی دیگران است. پیدایش رابطه عاطفی میان زن و مرد آن دو را دلسوز و حامی یکدیگر قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که عاطفه و محبت اعضای خانواده به یکدیگر را می‌توان نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده دانست. چه به حکم عقل، اگر زندگی خانوادگی ضرورت داشته باشد، بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده نسبت به یکدیگر است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۷۲/۳). مفهومی که در کلیدواژگان «محبت» و «رحمت» در بیان قرآن کریم و ادبیات دینی از آن یاد شده و مفهوم‌پردازی شده است:

{وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}؛

و میان شما (زن و مرد) دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرت‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند (روم، ۲۱).

جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن، افراد نگرش‌ها، ارزش‌ها، و کنش‌های موردپذیرش جامعه خود را فرامی‌گیرند. جامعه‌پذیری فرایندی فعال و پویا است که به سبب آمیختگی با مسئله‌ی آموزش، بیش از همه نیازمند نرمش بنیان یافته براساس رحمت است. چه در بیان قرآن کریم، فرایند انتقال مفاهیم و تعلیم، آنگاه که قرین رحمت گردد بیش از همه تأثیرگذار بوده و پایداری و دوام می‌یابد (الرحمن، ۱ و ۲). باری خانواده به‌عنوان کانون مهر و پرورش آدمیان، یکی از عوامل مهم جامعه‌پذیر کردن افراد است که در محیطی آکنده از عواطف انسانی، امکان درآمدن در زندگی جمعی را با سهولت هرچه بیشتر فراهم می‌سازد. امری که در قرآن کریم در ارتباطی تنگاتنگ با رحمت گسترده و همه‌جانبه قرار دارد. در آموزه‌های اسلامی توجه به نیازها و تمایلات اهل خانه از مسئولیت‌های سرپرست خانواده دانسته شده و علاوه بر تشویق به فرزندآوری، پرورش صحیح جسمی و روحی آنان نیز موردتوجه قرار گرفته است. انتخاب اسامی نیکو، آشنا کردن فرزندان با قرآن و روایات اهل‌بیت (ع)،





شناخت امور حلال و حرام الهی، آزادسازی نسبی آنان تا هفت سالگی، تحت آموزش در آوردن آنان تا چهارده سالگی و همکار قرار دادن آنان در فعالیت‌ها و تصمیم‌ها تا بیست و یک سالگی (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۹۵-۲۵۰) از جمله راهنمایی‌هایی است که اسلام برای جامعه‌پذیری به والدین ارائه داده است. در کنار این نقش‌آفرینی والدین در جامعه‌پذیری فرزندان، نباید از لزوم حمایت‌گری و تلاش حداکثری همسران در رشد و اعتلای یکدیگر غفلت نمود. همیاری و همراهی‌ای که در کنش‌گری مناسب و به هنگام در قبال رفتار یکدیگر (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۳/۲۶۸)، سازگاری و مدارا (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۸۶)، اتخاذ الگوی اقتصادی مناسب (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۴) و رعایت همه‌جانبه‌ی حقوق یکدیگر (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۹) تجلّی یافته و رشد و اعتلای خانواده را به دنبال دارد.

عوامل تحکیم‌بخش نهاد خانواده

خانواده، مهم‌ترین رکن جامعه و مجرای تحول فرهنگی و زمینه‌ساز کامیابی آدمیان است. از این رو، اسلام که برنامه سعادت و تکامل بشر است، عنایت ویژه‌ای به سلامت و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز دارد. ارزش‌گذاری معنوی بر پیوند خانوادگی، زمینه‌سازی برای تقویت این پیوند و پیشگیری از فروپاشی خانواده را می‌توان حکمت قداستی دانست که اسلام به این نهاد سترگ، بخشیده است. از این رو رشد بیش‌ازپیش و مستمر نهال خانواده، نیازمند بنیان نهادن نیکوی این نهال و مراقبت هرچه بیشتر از آن در دوران حیات و شکوفایی است. هدفی که می‌توان آن را در دو عنوان تشکیل و تحکیم خانواده متبلور دید. خانواده همچون هر موجود زنده نیازمند حیات دمامد و حراست و نگاهداری لحظه‌به‌لحظه است. استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، در گرو تقویت و تحکیم نهاد خانواده بوده و دو

عنصر روانی و معنوی محبت و قداست، بیش از هر چیز، عنصر مقاوم و پایدارکننده پیوند خانوادگی است. (روم، ۲۱) آنچه محبت و قداست خانواده تقویت نماید، نهاد خانواده را تحکیم بخشید و استوار کرده و هر چه به مصاف اکسیر محبت و قداست رود، سستی و فروپاشی خانواده را سبب می‌گردد. بر این اساس به‌طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین عوامل تحکیم‌بخش نهاد خانواده در فرهنگ اسلامی را از این قرار دانست: اظهار محبت متقابل (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۰۰/۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۰/۵؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۱۳۱/۷)، خوش‌رفتاری و خوش‌خویی (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷/۷۷)، رعایت حقوق و تکالیف متقابل (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۵۴۵/۴؛ صنعانی، ۱۴۰۳: ۳۸۴/۱۱)، تأمین نیازهای جنسی با تأکید بر اهمیت آراستگی زن و شوهر برای یکدیگر (صدوق، ۱۳۶۲: ۶۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۱۰؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۱۲۲/۱)، نکوهش عدم تأمین نیاز جنسی (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۴/۵؛ ترمذی، ۱۹۷۵: ۴۶۵/۳؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ۱۰۶۰/۲) و لزوم رعایت آداب آمیزش (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۹۳/۱؛ راوندی، ۱۳۹۹: ۱۲۰؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ۱۱۰/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۲/۱۴)، همکاری و احترام دوسویه (دیلمی، ۱۴۰۶: ۶۲۹/۳؛ شعیری، ۱۴۱۳: ۲۷۶)، مدارا و چشم‌پوشی از لغزش‌ها (خزاز، ۱۴۰۱: ۲۴۰؛ حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۰۰؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۶۲/۲)، ساده‌زیستی و قناعت (ابن أبي الحديد، ۱۴۰۴: ۱۵۹/۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۵/۴)، اهتمام به معنویت، تربیت و فرهنگ خانواده (تحریم، ۶؛ طه، ۱۳۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۸۷/۲؛ ترمذی، ۱۹۷۵: ۳۳۷/۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۱: ۴۲۳/۷)، تأمین نیازهای خانواده (طلاق، ۷؛ بخاری، ۱۴۱۹: ۱۴۷۲/۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۸۳؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۴۰)، امانت‌داری اخلاقی و غیرت‌ورزی بجا به اندازه (نساء، ۳۴؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۴۴/۳؛



عوامل تهدیدکننده بنیان خانواده

تأثیر دین در تأمین بهداشت و سلامت روانی و تحکیم بنیان‌های خانواده در عصر فشارهای روانی گوناگون، غیرقابل انکار است. توانایی مذهب، در کاستن غم‌های وجودی و پیوند دادن انسان با منابع قدرتمند معنوی را باید بزرگترین موهبت آن به انسان دانست. در این میان خانواده، مانند همه نهادهای پرارزش، در معرض انواع آسیب‌ها و آفت‌هایی است که سلامتی، استواری و پویایی آن را تهدید می‌کند. پیشوایان بزرگ اسلام، در کنار تبیین تحکیم خانواده، رهنمودهای بسیار مهم و ارزنده‌ای را در جهت پیشگیری از این آفات ارائه کرده‌اند. عوامل متعددی را می‌توان در شمار آسیب‌های پیش روی خانواده و مانع درآمدن در آن و پرورش نسل توحیدی دانست. آسیب‌هایی که در یک تقسیم‌صوری بر دو گونه‌ی خارجی و داخلی قابل تقسیم است. چه برخی از آن‌ها از همان اوان تشکیل خانواده، بستر موفقیت این نهاد را از بیرون با خطر روبه‌رو می‌سازد و برخی دیگر در اثر روابط نادرست زوجین در گذر زمان، رونق و شکوفایی این بنیان را از میان می‌برد. در ادامه براساس این تقسیم‌بندی، به بیان عوامل یاد شده پرداخته و بخش پایانی این نوشتار را به آسیب منحصر به فرد فردگرایی اختصاص می‌دهیم. چراکه فردگرایی به‌عنوان مسئله‌ی پیش روی پژوهش حاضر، از یک سو می‌تواند مانعی برای تشکیل خانواده به حساب آید و از سوی دیگر رشد و اعتلای نهاد خانواده را با چالش مواجه سازد. آسیبی که افزون بر تأثیرپذیری از خارج خانواده، خود می‌تواند زاده‌ی برداشت‌های نادرست زن و شوهر از حیات و جهت‌گیری تأسیس خانواده باشد. شایان ذکر است که در معرفی آسیب‌های داخلی و خارجی پیش روی خانواده، بنا بر اختصار گذاشته شده و



خوانندگان گرامی تنها به صورت فهرست وار و البته مستند با این عوامل آشنا می شوند. چه پرداخت به هریک از عوامل داخلی و خارجی، خود نیازمند تحقیق مستقل و مجالی اختصاصی بوده و جستار حاضر را از مسئله‌ی محوری خود دور می نماید.

عوامل تهدیدکننده خارجی (پیشینی)

آسیب‌ها و عوامل تهدیدکننده خارجی، آفاتی هستند که معمولاً از ناحیه زن و یا شوهر نیستند؛ بلکه پدر یا مادر و یا اشخاص دیگر، آن‌ها را ایجاد می کنند. البته در مواردی نیز، ممکن است مرد یا زن نیز در شکل‌گیری و فعال‌سازی بیش از پیش آن‌ها سهیم باشند. ازدواج ناخواسته و تحمیل شده از سوی دیگران (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۱/۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۹۲/۷؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۱: ۲۳۸/۱۰؛ ابن حیون، ۱۳۸۵: ۲۱۸/۲)، مهریه‌ی سنگین (المصنف لعبد الرزاق، ۱۷۴/۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۵۰۶/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۱/۱۰۳) ازدواج با انگیزه‌های غیرارزشی (ترمذی، ۱۹۷۵: ۱۸۴/۴؛ نسائی، ۱۴۱۱: صدوق، ۱۴۱۳: ۳۸۵/۳) ازدواج زودهنگام و پیش از رشد عقلی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۸/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۷۲/۱۴) در شمار مهم‌ترین عوامل خارجی و پیشینی تهدیدکننده نهاد خانواده است. عواملی که از اساس نهاد خانواده را آماج خود قرار داده و آن را از رسیدن به اهداف ارزشمند خود دور می سازد.

عوامل تهدیدکننده داخلی (پسینی)

تحقق عوامل پیشینی در تشکیل خانواده، گرچه زمینه‌ی شکل‌گیری خانواده‌ای موفق را فراهم می آورد اما به معنای شکل‌پذیری نهایی و تمام آن نخواهد بود. به بیانی دیگر در نظر داشتن عوامل خارجی را می توان در شمار علل محدثه و سازنده خانواده‌ی در تراز اسلام دانست اما بقا و رشد روزافزون خانواده نیازمند تلاش





پیوسته‌ی پسینی زن و شوهر به عنوان نخستین مؤسسان این نهاد است. خانواده بنیادی زنده است که همچون هر موجود دارای حیات، مخاطره بیماری و نیستی را در مقابل خود احساس می‌کند. واکاوی نصوص اسلامی صادر شده در این عرصه نشان از آن دارد که کنش‌های رفتاری و کلامی چندی را می‌توان یاد نمود که حیات خانواده را به صورت جدی با تهدید فروپاشی و زوال مواجه می‌سازد: همسرآزاری زبانی و بدنی (نساء، ۱۹؛ صدوق، ۱۴۰۶: ۳۳۶ - ۳۳۸؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۲؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۳۷۱/۵؛ بخاری، ۱۴۱۹: ۲۲۴۶/۵)، کج خلقی و ناسازگاری (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳/۸؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۰۹/۳)، تحقیر و نفرت پراکنی (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ۱۰۹۱/۲)، بخل (دیلمی، ۱۴۰۶: ۳۶۷/۱؛ الطبرانی، ۱۴۱۵: ۳۳۷/۸)، تهمت و غیرت نابجا (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۴/۱؛ شعیری، ۱۴۱۳: ۴۵۵ - ۴۵۶؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ۵۰/۳)، هوس‌بازی و تنوع‌طلبی (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴۹/۱۸؛ طبرسی، ۱۴۰۸: ۴۵۷/۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴/۶)، کفران و ناسپاسی (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۹۳/۴؛ صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۸۷/۷)، تنگنای اقتصادی و تکلیف بیش از توان مالی (صدوق، ۱۴۰۶: ۳۳۹؛ الدیلمی، ۱۴۰۹: ۴۱۹)، منت نهادن (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۴۱/۱)، خودآرایی برای دیگری (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۴۰/۳)، خیانت (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۰۶؛ المعجم الکبیر، ۳۱۹/۱۸)، بی‌تدبیری در معاش و اسراف (نسائی، ۱۴۱۱: ۴۹۷/۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۴؛ لثی، ۱۳۷۶: ۲۸۱).

باری در کنار تمامی عوامل یاد شده‌ی داخلی و خارجی آسیب‌زا در روابط زوجین، می‌توان از فردگرایی یادکرد. عاملی که گاه از سوی عناصر خارج از خانواده به این نهاد امن داخل شده و گاه خاستگاه داخلی آن در هریک از زن و شوهر، زمینه‌ساز درافتادن خانواده در چالش‌های بزرگ می‌شود. چه بسیاری از عوامل یاد شده،

خود ریشه در فردگرایی دارد. از این رو در بخش پایانی این پژوهش بر این نقصان تمرکز نموده و با شناسایی عوامل رخداد آن، سعی در دستیابی و ارائه راهکارهای مقابله آن در فرهنگ اسلامی می‌پردازیم.

راه کارهای مقابله با فردگرایی در فرهنگ اسلامی

اسلام مکتبی است که زندگانی انسان را دارای دو بعد دنیایی و آخرتی می‌داند. از این رو، در ارائه برنامه‌ها و آموزه‌های خود برای زندگی به هر دو جنبه از حیات انسانی توجه نشان داده است. خانواده به عنوان يك نهاد تأثیرگذار در خوش بختی دنیوی و اخروی انسان در منظومه معرفتی اسلام از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. آموزه‌های اسلام در نگرش به خانواده و کارکردهای آن به گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که ضمن از بین بردن زمینه‌های تنش و تضاد و ایجاد پیش‌نیازهای استحکام، خانواده را در ایفای نقش سعادت بخشی به افراد، یاری دهد. در رویکرد انتقادی، فردگرایی بستر رخداد بسیاری از عوامل آسیب‌زا در روابط زوجین است و از میان برداشتن این آسیب بنیادین، می‌توان ریشه‌ی بسیاری از آفات تهدیدکننده خانواده را بخشکاند. واکاوی فرهنگ اسلامی با محوریت آیات و روایات اسلامی نشان از آن دارد که؛ گزاره‌های اسلامی از میان برنده رویکرد فردگرا در موضوع خانواده را می‌توان در سه دسته جای داد. دسته‌ی نخست آیات و روایاتی است که با تکیه بر پاداش‌های مادی و معنوی در امر ازدواج و فرزندآوری و ترویج ارزشمندی تلاش برای خانواده، به مصاف اندیشه‌ی فردگرایی و ترس از تأسیس خانواده - فقر ذهنی - رفته است. دسته‌ی دوم، گزاره‌های است که با وجود تأکید بر حقوق شخصی هریک از زوجین و تکالیف بار شده بر ایشان، بر لزوم رابطه‌ی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی در رابطه زناشویی تأکید نموده و ناروایی





خودپسندی و خودشیفتگی مادی بنیان را آشکار کرده است. بخش پایانی آیات و روایات را می‌توان سفارش‌هایی دانست که فارغ از روابط زن و شوهر، جامعه اسلامی، سیاست‌گذاران و حکمرانان مسلمان را در قبال تأسیس و بالندگی این نهاد مسئول دانسته است.

مشوق‌های الهی و از میان رفتن فقر ذهنی (آسیب‌زدایی اعتقادی)

باری دین مبین اسلام نیز به‌عنوان جامع رهاورد همه‌ی بعثت‌ها (مأئده، ۳) و پاسخ‌دهنده‌ی نیازهای عقلانی، جسمانی و تربیتی - روحانی آدمیان در سه ساحت معرفت، معنویت و شریعت، نه تنها از موضوع ارائه‌ی الگوی صحیح در زندگی فردی و اجتماعی در مسیر نیل به سعادت دنیوی و اخروی غافل نبوده بلکه با دعوت فراگیر جامعه انسانی به قسط و حیات طیبه و تقدّم تکوین ملت و جهاد تربیتی بر تکوین دولت و جهاد اقتصادی و سیاسی (حدید، ۲۵) به مبارزه همه‌جانبه‌ی فکری و عملی با جهل، تحجّر، جمود و عوام‌زدگی پرداخته است. به‌طوری‌که به اعتقاد برخی از اندیشمندان، تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی در سایه‌سار حریم وحی از ویژگی‌های اصلی تربیت و سبک زندگی اسلامی است. (شریعت‌مداری، ۱۳۸۲: ۴۹)

در این میان یکی از عوامل اصلی تأخیر انداختن ازدواج و پس‌از آن محدود ساختن فرزندآوری، نگرانی از دغدغه‌های اقتصادی است که هیچ‌گاه مورد غفلت فرهنگ اسلامی قرار نگرفته است. واقعیتی غیرقابل انکار که گاه بیش از دایره‌ی تأثیرگذاری خود، نمود یافته و مانع از تشکیل و شکوفایی نهال خانواده می‌گردد. نوشتار حاضر، مسئله‌ی اقتصاد خانواده و اهمیت آن را نادیده نمی‌گیرد اما بر این باور است که این عامل تنها عامل انحصاری تشکیل و تحکیم خانواده نیست. بلکه به سبب استوار نبودن اندیشه رزاقیت الهی در لایه‌های زندگی، بیش از همه جلوه‌گر شده است. به

بیانی دیگر تصحیح باور افراد در زمینه روزی‌رسانی خداوند و تأثیر تشکیل خانواده بر روزی‌بخشی الهی می‌تواند عاملی رهگشا در گشودن گره ازدواج تلقی شود. از این رو شناخت دوگانه‌ی القای فقر از سوی شیطان و وعده‌ی پاداش از سوی خداوند می‌تواند الگویی مناسب در جهت کاهش تأثیرگذاری این مانع باشد.

فقر مفهومی به معنای حاجت و نیاز و ضد غنا و کفاف است. (ابن منظور، ۱۴۱۰: ۶۰/۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۰/۵) تعریف فقر و میزان حد کفاف و خط فقر با دگرگونی جوامع در طول زمان تغییر یافته، میزان مشخص و یکسانی برای همه‌ی ادوار ندارد. (رئیس دانا، ۱۳۸۴: ۶۴) موضوع فقر در حدود ۵۰ آیه از قرآن کریم را با مفاهیم نزدیک به هم، شامل شده است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ۲۷۷-۳۱۱) بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات در اطراف آن، درباره حل معضل فقر به عنوان عاملی کاهنده از منظر جایگاه و گستره تأثیر اجتماعی و گاه قوای ایمان و راهکارهای فقرزدایی و رسیدگی به امور تهیدستان و ناداران است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۰۵-۴۲۵) به گونه‌ای که نادیده گرفتن حقوق فقیران برانگیزاننده خشم و عذاب الهی است (قلم، ۱۷-۲۰)، و ائمه (ع) نیز آنان را که نسبت به حقوق ناتوانان بی تفاوت بوده و گره‌ای را نمی‌گشایند در زمره شیعیان خود به حساب نیاورده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۷۳/۲) بخشی دیگر از گزاره‌های قرآنی و روایی نیز که در آن فقر ستایش شده و در مقابل آن غنا و توانگری مذمت گردیده، گزاره‌هایی که گاه در موضوع فقر الی الله و نیاز بایسته و پیوسته مخلوقات به ذات اقدس الهی است (فاطر، ۱۵؛ محمد، ۳۸؛ قصص، ۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۹-۱/۶۹) و گاه به انتخاب اولیای الهی و وسیله‌ای برای تعالی روح است؛ نه فقر اضطراری که زاییده‌ی سیاست‌های نظام‌های جائرنه‌ی مالی و اقتصادی است و توده‌ی مردم را تا سر حد کفر پیش





می‌برد؛ در حقیقت این نوع فقر افتخارآمیز، خطّ بطلانی بر مفاخراتِ پوچ و ارزش‌های توخالی است نه حمایت از فقر و توجیه آن برای مردمی که با آن روزگار به‌سختی می‌گذرانند. (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۳۹/۴-۴۴۰) و گاه تنها در آن صبرِ فقیر بر نداری مدح شده، و نه فقر، چه، فقیرِ صابر، غالباً مقامش از غنیّ شاکر بالاتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰/۷۲-۳۴)

اما آنچه در این میان بیشتر با مقصود این بخش همسوست، آیات ۳۰ فجر، ۳۳ نور، ۲۶۷ و ۲۶۸ بقره است که به ترتیب در آن‌ها به این موضوعات پرداخته شده است؛ فقر و تهی‌دستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب‌گشودن به اعتراض و گلایه از او (فجر)، زنان و مردان غیر متأهل، فقیر و فاقد امکانات ازدواج، بیشتر از دیگران، در معرض بی‌عفتی و آلودگی به فساد جنسی هستند (نور) و ترس از فقر زائیده جهل به گشایشگری و علم خداوند به حال انسان است که شیطان، برای بازداشتن انسان از انفاق و بدگمانی به خداوند آن را القا می‌کند. (بقره) این در حالی است که به بشارت قرآن کریم، خداوند خود وسعت‌بخش و آگاه از حال بندگان خود است و به هنگام سختی و تنگدستی آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد ساخت. (نور، ۳۲) مفهوم به کار رفته در آیات فوق و به‌ویژه در آیه‌ی ۲۶۸ سوره بقره^۲، همان مفهوم «فقر ذهنی» است. احساسی متفاوت از فقر که در روانشناسی مثبت‌گرا^۳ به‌عنوان چالشی برای بهباشی، شادکامی و رضایت‌مندی موردبررسی قرار می‌گیرد.

۲. دلیل تکیه بر آیه‌ی مذکور در سوره بقره و عدم یادکرد دو آیه‌ی سوره فجر و نور، صراحت آیت سوره بقره است. چراکه مفسران به گاه تأثیر از روایات، دو آیه دیگر از سوره‌های فجر و نور را مرتبط با امر فقر ذهنی دانسته‌اند و این پژوهش به‌منظور دریافت مستقیم مفاهیم از خود قرآن کریم، تنها بر آیه‌ی مذکور متمرکز خواهد شد.

(کیت هفرن، ۱۳۹۷: ۷۶-۸۴) چراکه فقر امری کمی و عینی است که فرد خود را در مواجهه با آن درمی‌یابد، اما فقر ذهنی، امری کیفی و روانی است و لزوماً همراهی با فقر عینی ندارد، به‌گونه‌ای که فرد گاه باوجود ابتلای به فقر عینی، از چالش ذهنی درگیری با فقر رها بوده و در بند مسائل آن قرار ندارد. (تمیمی آمدی، ۱۴۲۰: ۸۲۰) در مقابل این احساس فرهنگ اسلامی رویکردی فعال داشته و پیروان خویش را رها ننموده است. چراکه بی‌تردید دین مبین اسلام، تنها ناظر به ابعاد معنوی و روحی انسان نیست، بلکه برای پیروان خود، سعادت مادی و معنوی را، توأمان می‌خواهد. (بقره، ۲۰۱؛ نساء ۱۳۴) اسلام نه بسان رهبانیت مسیحی، بهره‌گیری از مواهب مادی را به کلی نکوهش می‌کند، و نه همچون یهودیت افراطی، غرق شدن در مادیات و غفلت از معنویات را رخصت می‌دهد. (مراغی، ۱۹۸۵ م: ۶/۲) بلکه افزون بر آن که دینداران را از وارد ساختن افکار منفی توسط شیطان آگاه ساخته و آنان را متوجه توکل و باور قلبی به توانمندی و رزاقیت خداوند متعال می‌سازد، با ارائه راهکارهایی ایشان را در مسیر خداباوری و دستیابی به آرامش روانی و رهایی از القائنات شیطانی در زمینه تنگدستی، با تمرکز صحیح بر منابع مادی و مدیریت صحیح آن یاری می‌نماید. (سید قطب، ۱۳۸۶ ق: ۱۸۰/۱؛ مغنیه، ۱۹۹۰: ۴۰/۵) بنابراین حاصل حجّتی که در ۲۶۸ سوره بقره اقامه شده این است که ترس از فقر، القای شیطانی است، او این ترس را به دل‌ها می‌اندازد، و هیچ منظوری به جز گمراهی و به فحشا کشاندن ندارد. از این رو خداوند متعال در آیه‌ی از یکسو اهل ایمان را نسبت به مسئله‌ی القای ناداری از سوی شیطان آگاه کرده و از سوی دیگر با یادآور شدن وعده‌ی مغفرت و فضل خویش، امید را در ایشان زنده نگاه داشته است. (طباطبائی، ۱۴۰۲: ۳۹۴/۲-۳۹۵) تعبیر به امر کردن شیطان نیز اشاره به همان وسوسه‌های او





است، و اصولاً هر نوع فکر منفی و بازدارنده و هلاک‌کننده همچون بیم از فقر، سرچشمه‌اش تسلیم در برابر وسوسه‌های شیطانی است (صدوق، ۱۳۶۲: ۶۹/۱) و در مقابل، هرگونه فکر مثبت سازنده و آمیخته با بلندنظری، سرچشمه‌اش الهامات الهی و فطرت پاک خدادادی است. در کنار آنچه بیان شد، باید از دیگر مشوق‌های متعدد در فرهنگ اسلامی یاد نمود که در آن‌ها با بیان پاداش‌های دنیوی و اخروی ازدواج و تشکیل خانواده، نادرستی القای فقر ذهنی عیان شده است.

مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی در مصاف فردگرایی و خودپسندی (آسیب-زدایی اخلاقی)

برخی نه به دلیل تنگناهای مالی، بلکه برای گریختن از پذیرش مسئولیت خانواده، از تن دادن به ازدواج و به دنبال آن از فرزندآوری سر باز می‌زنند. بی‌تردید افراد در قبال مسئله تعهد و مسئولیت‌پذیری، متفاوتند؛ برخی از قبول مسئولیت‌های اجتماعی، به کلی سر باز زده، با شانه خالی کردن از مسئولیت خود، رضایت خاطر داشته و شادمانند. (توبه، ۵۰ و ۸۱) اینان به تعبیر کلام وحی آنچنان غرق در خودپسندی گشته‌اند که دیگر جز خود را ندیده و در وادی خودپرستی غلتیده‌اند. کسانی که دیگر کارسازی پیامبر خاتم نیز برایشان ناتمام است (فرقان، ۴۳) به‌گونه‌ای در ورطه‌ی گمراهی‌اند که خداوند ایشان را به حال رها ساخته و بر دل و دیده‌هایشان مهر شقاوت خورده است. (جاثیه، ۲۳) نقطه‌ی مقابل، آنان هستند که از سیر الی الله و توفیق دستیابی به جوار الهی، همچنان دغدغه خلق را داشته و سیر به‌سوی بندگان و عیال پروردگار دارند. آن‌طور که امیر مؤمنان علی (ع) که خود جلوه‌ای نمایان از دیگرخواهی و مسئولیت‌پذیری است (انسان، ۸-۱۰)، در وصف اسوه‌ی حسنه، پیامبر مکرم اسلام (ص) به‌عنوان قافله‌سالار این دسته می‌فرماید:

«طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُمَى، وَأَذَانٍ صُمٌّ، وَالسِّنَّةِ بُكْمٌ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَمَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ، لَمْ يَسْتَضِيؤُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ، وَلَمْ يَقْدَحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ الثَّاقِبَةِ، فَهُمْ فِي ذَلِكَ كَالْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ، وَالصُّخُورِ الْقَاسِيَةِ»؛

(پیامبر ص) طبیبی بود که با داروی خود، در میان مردم می‌گردید. مرهم‌هایش را درست و آماده کرده و ابزار داغ‌کردنش را تافته بود و آن‌ها را بر هر جا که لازم بود، از دل‌های کور و گوش‌های کر و زبان‌های گنگ، می‌گذاشت. با داروی خود، بیماری‌های غفلت و سرگردانی را در کسانی درمان می‌کرد که از پرتوهای حکمت، روشنائی برنگرفته بودند و با آتش‌زنه‌های دانش‌های درخشان، شعله‌ای برنیفروخته بودند، و همچون حیوانات چرنده و تخته‌سنگ‌های سخت بودند. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۰۸)

گستره‌ی مسئولیت‌پذیری و غمخواری رسول خدا (ص) به حدی بود که خداوند متعال خطاب به ایشان فرمود:

{فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا}؛

شاید اگر به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند، خویشان را به خاطرشان از اندوه هلاک‌سازی. (کهف، ۶) حقیقتی که در آیات دیگری از قرآن کریم نیز بیان شده و نشان‌گر اهتمام ایشان به حیات جمعی است. (شعراء، ۳؛ توبه، ۱۲۸) از این‌رو جامعه‌پذیری و دغدغه‌ی اجتماعی در راستای موفقیت جمعی و احترام به حقوق دیگران، همبستگی و مسئولیت‌پذیری از اصول اساسی فرهنگ اسلامی است. (اعراف، ۶؛ صافات، ۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۰۶/۲؛ مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ۱۴۵۹/۳) موضوعی که می‌بایست از همان اوان تعلیم و تربیت در وجود افراد نهادینه شده تا افراد را آماده‌ی پذیرش مسئولیت خانواده و عهده‌دار گسترش نهاد آن سازد. چه مقوله





فرهنگ امری نیست که به یکباره شکل گرفته و از آن انتظار رخداد و نمود انقلاب‌گونه داشت. بلکه هرگونه تغییر و تحول فرهنگی در عرصه‌ی کلان نیازمند مهندسی به هنگام و زمان‌مند می‌باشد. درنگ در گزاره‌های قرآن و روایی با کلیدواژه‌های «ایثار، مواسات، عهد، عفو، صفح، احسان» نشان از آن دارد که فرهنگ اسلامی آکنده از سفارش‌ها و تجویزهای سازنده‌ای است که عملیاتی نمودن بلندمدت آن، اخلاق مسئولیت‌پذیری در جامعه را در حوزه‌های گوناگون و به‌صورت ویژه عرصه‌ی خانواده نهادینه خواهد ساخت. مسئولیت‌پذیری سفارش شده در فرهنگ اسلامی، از نوع فعال و سازنده است. به‌گونه‌ای که براساس آن، شایسته نیست که اهل ایمان نسبت به حیات پیرامونی خود بی‌تفاوت باشند (شریف الرضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۹۲)، چه رسد به آن‌که با انزوایی خودمحور و خودخواهانه از پذیرش تکالیف اجتماعی که در کانون آن تشکیل خانواده است، دوری نمایند. از خودگذشتگی نقطه مقابل فردگرایی منفی یا همان انحصارطلبی است. هر چه استثنای برای جامعه مطلوب انسانی، زیان‌بار، و برای وحدت و انسجام آن، ویرانگر است، ایثار، سودمند و سازنده است. اسلام، در مقابل مکاتب مادی که فرهنگ خودخواهی و خودپرستی را تبلیغ و ترویج می‌کنند، خودخواهی را ریشه مفاسد فردی و اجتماعی می‌داند و با ترویج فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی می‌خواهد این ریشه خطرناک خشکانده، خودخواهی فطری انسان را هدایت، و منافع واقعی و درازمدت او را تأمین کرده است. (اسراء، ۷) بدین سان، گسترش فرهنگ مسئولیت‌پذیری و از خودگذشتگی در جامعه، نه تنها منافع شخصی افراد را تهدید نمی‌کند، بلکه ایشان را محبوب خدا و خلق نموده و موجب دستیابی آنان به بهترین زندگی‌ها در جهان جاوید می‌شود. علاوه بر این، ریشه مفاسد اجتماعی را نیز می‌سوزاند و منافع مادی و معنوی جامعه

بشر را تأمین می‌نماید. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۷۹/۸) آنچه ذکر شد همگی برکات فردی و اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و دوری گزیدن از فردگرایی و انزوای بی‌ثمر بوده که در بیان قرآن کریم این چنین آمده است:

{وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ}؛

و آن‌ها که از خست نفس خویش، مصون بمانند، آنان، همان رستگاران‌اند.

(حشر، ۹)

حکمرانی اسلامی و فردگرایی (آسیب‌زدایی معیشتی)

تجرد و اقدام نمودن به فرزندآوری گاه زاده‌ی آسیب‌های اعتقادی و اخلاقی نیست و ریشه در بی‌کفایتی حکمرانان دارد. تکیه بر ناباوری و بی‌اخلاقی جوان در تن دادن به ازدواج و شکوفایی نهال خانواده با فرزندآوری به هنگام، خطایی شناخته شده در جوامع مسلمانان است. خطایی که انزوا، بی‌تفاوتی و بی‌ثمری جوانان را به دنبال داشته و مانعی بزرگ بر سر راه پیشرفت و تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این شرایط حکمرانان که ناتوان از سروسامان دادن به شرایط اقتصادی حداثی تشکیل خانواده هستند با انتخابی آگاهانه، ملامت و سرزنش خود را متوجه جوانان می‌سازند. این در حالی است که به فرموده‌ی معجزه‌ی خاتم پیامبر اکرم (ص)، بر جامعه‌ی مسلمان و به صورت ویژه بر مسئولان است که زمینه‌ی ازدواج آسان و بنیان نهادن نهاد محبوب الهی را فراهم آوردند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

{وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ}؛

بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکارتان را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر دانا است. (نور، ۳۲)





فعل امر در این آیه با صراحت هرچه تمام مخاطبان خود را به بسترسازی هرچه بیشتر ازدواج - که خود زمینه فرزندآوری است - سفارش می نماید. دستوری که گرچه درون مایه ای عمومی و فراگیر دارد، اما به سبب اهمیت بنیان خانواده و نقش آن در رشد و اعتلای جامعه، بیش از همه متوجه سکان داران اجتماع است. چه جامعه ای مسیر پیشرفت را طی می نماید که نیروی انسانی متعهد و توحیدباور را اساس حرکت خویش قرار دهد و بیش از هر چیز عنایت خویش را به سرمایه انسانی ارزشمند مبذول دارد. شایان ذکر است که آیه ی مورد بحث در سیاق آیات حجاب و عفاف قرار دارد و نیازمند نگاه و رویکرد منسجم و سزاوار است. باری تکیه بر عفاف و حجاب بدون فراهم نمودن شرایط ازدواج، روشی ناتمام و خلاف سمت و سوی همبسته ی آیات پاک دامنی در قرآن بوده و تحقق پوشش کمال یافته را با مشکل روبرو می سازد. از این رو در سیره معصومان (ع) است که همگام با سفارش بر عفاف و نیک ظاهری، بر مهیا شدن اسباب ازدواج و فرزندآوری تأکید داشتند. امام صادق (ع) در بیان سیره علوی در این باره می فرمایند:

«إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ أَتَى بِرَجُلٍ عَثَبَ بَذَكَرِهِ فَضَرَبَ يَدَهُ حَتَّى احْمَرَّتْ ثُمَّ زَوَّجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»؛

مردی را نزد امام علی علیه السلام آوردند که با آلت خود، بازی می کرده است. امام، به گونه ای به دست او زد که سرخ شد. سپس از بیت المال، هزینه ازدواج او را با زنی پرداخت کردند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۵/۷) در این روایت آشکار است که حضرت علی (ع) گرچه حدود الهی را رها ننموده و مرتکب اسمتناء را مجازات نموده است. اما از یک سو، مرزبندی این رفتار نیازمحور با تعدی و تجاوزگری را با کیفیت و شیوه مجازات او رعایت نموده و از سوی دیگر نیاز جنسی آن مرد را با بهره مندی از بیت المال و ازدواج وی برطرف ساخته است. ایشان تنها به اجرای حد درباره ی

مرتکب خودارضایی اکتفا ننموده و با مقرر نمودن هزینه ازدواج آن فرد، ریشه‌ی و زمینه ارتکاب آن رفتار ناپسند را از میان برده‌اند.

باری در شرایطی که جوان به سبب تنگناهای اقتصادی، امکان درآمدن در شغل مناسب، کسب درآمد، تهیه مسکن و در فرجام تشکیل خانواده را ندارد، انتظار عفت و پاک‌دامنی و خودداری از خودنمایی و جلوه‌گری سخت می‌نماید. چه ویژگی آدمیان و به‌ویژه جوانان است که توانمندی‌ها و استعدادهای خود را آشکار سازند و در شرایطی که امکان ظهور و بروز آن فراهم نشود، ساده‌ترین و نزدیک‌ترین راه شاید در روابط ناسالم و بی‌فرجام جست‌وجو شود. از این‌رو بر حکمرانان مسلمان است تا به یاری جوانان به‌عنوان موتور پیشران قطار پیشرفت، شرایط ازدواج آسان را مهیا ساخته و مأموریت فرزندآوری و پرورش نسل توحیدی را ممکن سازند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر که با هدف تبیین «تحلیل انتقادی تأثیر فردگرایی بر تجرد و پرهیز از فرزندآوری با تأکید بر فرهنگ اسلامی» نگاشته شده، به نتایج ذیل دست‌یافته است:

۱. ازدواج و تشکیل خانواده امری مقدس و مورد سفارش آیین خاتم است که تأکید حداکثری بر لزوم تشکیل به‌هنگام و تحکیم آن، بیش از همه ریشه در کارکردهای بی‌نظیر این بنیان دارد.

۲. فرهنگ اسلامی در زمینه‌ی تشکیل و تحکیم خانواده تنها به گزاره‌های سفارش گونه و تجویزی بسنده نکرده بلکه با تسهیل‌گری فرهنگی و ارائه‌ی راهکارهای وحی بنیان و عقل‌پذیر، زمینه شکل‌گیری این نهاد گران‌سنگ را فراهم ساخته است. از منظر فرهنگ اسلامی و گزاره‌های ثقلین، شناخت هرچه بهتر عناصر تحکیم‌بخش خانواده در کنار آفات و آسیب‌های پیش‌روی این بنیاد پویا و زنده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر





برای موفقیت خانواده و رشد و شکوفایی جامعه است.

۳. عوامل متعددی را می‌توان به‌عنوان تهدیدها و آسیب‌های پیش‌روی خانواده قلمداد نمود که در این میان تأثیر فردگرایی و منفعت‌طلبی شخصی افراد به‌عنوان عاملی بنیادین بیش از همه هویداست. چراکه بسیاری از مسائل شناخته شده‌ی پیش‌روی تشکیل و تحکیم خانواده، ریشه در این آفت دارد.

۴. فرهنگ متعالی اسلام در راستای مقابله با فردگرایی به‌عنوان مانع تشکیل و شکوفایی بیش‌ازپیش خانواده در سه عرصه‌ی «باور، اخلاق و حکمرانی» راهبردهای خود را معین ساخته و راهکارهای مؤثر را پیشنهاد نموده است. آن‌طور که گزاره‌های اسلامی از میان برنده رویکرد فردگرا در موضوع خانواده را می‌توان در سه دسته جای داد. دسته‌ی نخست آیات و روایاتی است که با تکیه بر پاداش‌های مادی و معنوی در امر ازدواج و فرزندآوری و ترویج ارزشمندی تلاش برای خانواده، به مصاف اندیشه‌ی فردگرایی و ترس از تأسیس خانواده - فقر ذهنی - رفته است. دسته‌ی دوم، گزاره‌های است که با وجود تأکید بر حقوق شخصی هریک از زوجین و تکالیف بار شده بر ایشان، بر لزوم رابطه‌ی مبتنی بر مسئولیت‌پذیری و ازخودگذشتگی در رابطه زناشویی تأکید نموده و ناروایی خودپسندی و خودشیفتگی مادی بنیان را آشکار کرده است. بخش پایانی آیات و روایات را می‌توان سفارش‌هایی دانست که فارغ از روابط زن و شوهر، جامعه اسلامی، سیاست‌گذاران و حکمرانان مسلمان را در قبال تأسیس و بالندگی این نهاد مسئول دانسته است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله. (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغة. قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۳۸۵). دعائم الاسلام. قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم المصري الأنصاري. (۱۴۱۰ ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
۵. احمدی، بابک. (۱۳۷۷). مدرنیته و اندیشه/ انتقادی. تهران: مرکز نشر.
۶. اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ق). کشف الغمة في معرفة الأئمة. تبریز: بنی هاشمی.
۷. بالاخانی، قادر، ملکی، امیر. (۱۳۹۶). «بررسی ظهور فردگرایی در عرصه‌ی خانواده». مطالعات راهبردی زنان. شماره ۷۷. ص ۷-۳۴.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۹ ق). الجامع الصحيح. بيروت: دارالفکر.
۹. پناهی، علی احمد. (۱۳۹۵). «نگاهی به فواید و آثار فرزندآوری و فرزندپروری در آموزه‌های دینی با رویکردی/ اخلاقی». مطالعات اخلاق کاربردی. شماره: ۲۱. ص ۳۳-۶۳.
۱۰. الترمذی، محمد بن عیسی. (۱۹۷۵ م). سنن الترمذی (الجامع الصحيح). بيروت: دار إحياء التراث.
۱۱. تریاندیس، هری. (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتارهای اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد.





- قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱ ش). مفاتیح الحیاة. قم: اسراء.
۱۴. چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۸۸). «رویکرد اسلام به چهار کارکرد مهم خانواده». معرفت. شماره ۱۳۹. ص ۳۵-۵۴.
۱۵. حاجی اکبری، فاطمه، رحمتی، سید مهدی. (۱۴۰۲). «تأثیر حسن ظن بر بهبود سلامت خانواده/از منظر اسلام». سبک زندگی با محوریت سلامت. شماره: ۱. ص ۱۳۰-۱۳۷.
۱۶. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۱ ق). المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۸. حکیمی، محمدرضا. حکیمی، محمد. حکیمی، علی. (۱۳۸۰ ش). الحیاة. ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. حلوانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۸ ق). کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر. قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۲۰. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. خزاز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ ق). کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر. قم: بیدار.
۲۲. الدیلمی، الحسن بن محمد. (۱۴۱۴ ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. الدیلمی الهمدانی، أبو شجاع شیرویه بن شهردار. (۱۴۰۶ ق). الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۴. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی. (۱۳۹۹ ق). النوادر. قم: دار الکتب.

۲۵. رئیس دانا، فریرز. (۱۳۸۴ ش). «اندازه‌گیری شاخص و پویش فقر در ایران». رفاه اجتماعی. شماره ۱۷. ص ۵۷-۹۲.
۲۶. الرضی، محمد بن حسین شریف. (۱۳۷۹ ش). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
۲۷. السجستانی الازدی، ابوداود. (۱۴۱۰ ق). سنن أبي داود، بیروت: دارالفکر.
۲۸. شاذلی، سید قطب. (۱۳۸۶ ق). عدالت اجتماعی در اسلام. ترجمه محمدعلی گرامی و سید هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب.
۲۹. شاه‌آبادی، زهرا، سرایی، حسن، خلیج آبادی فراهانی، فریده. (۱۳۹۲). «نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. شماره ۱۶. ص ۲۹-۵۴.
۳۰. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۲). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. شعیری، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). جامع الاخبار. نجف: مطبعة حیدریة.
۳۲. الشیبانی، أحمد بن محمد بن حنبل. (۱۴۱۱ ق). مسند احمد ابن حنبل. بیروت: دار الفکر.
۳۳. صدوق، محمد بن بابویه. (۱۳۶۲). الخصال. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۴. (۱۴۰۶ ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۳۵. (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۶. الصنعانی، عبد الرزاق بن همّام. (۱۴۰۳ ق). المصنّف، بیروت: منشورات المجلس العلمی.





۳۷. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۸. الطُّبرسی (أَمین الإسلام)، الفضل بن الحسن (۱۴۰۸ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع البیان)، تحقیق السَّید هاشم الرِّسولی المحلَّاتی و السَّید فضل الله الیزدی الطباطبائی، بیروت: دار المعرفة.
۳۹. الطبرانی، سلیمان بن أحمد. (۱۴۱۵). المعجم الأوسط، قاهره: دار الحرمین.
۴۰. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۴۱۲ ق). مکارم الاخلاق. قم: الشریف الرضی.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ ق). الامالی. قم: دار الثقافة.
۴۲. (۱۴۰۷ ق). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). العین. قم: نشر هجرت.
۴۴. الفیض الکاشانی، محسن. (۱۳۸۳ ق). المحجَّة البیضاء فی تهذیب الإحیاء، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۴۵. قادری، طاهره، القونه، زهرا. (۱۳۹۶). «بررسی فردگرایی خودخواهانه و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه شیراز (با تأکید بر طبقه آن‌ها)». فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۷۹. ص ۱-۳۱.
۴۶. قاسمی، هاجر السادات. (۱۳۸۷). «آسیب شناسی روابط زوجین: لایه‌های زیرین ناسازگاری». حوراء. شماره ۲۹. ص ۴۰-۴۷.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۹. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۷). حکمت نامه پیامبر (ص)، قم: دارالحديث.
۵۰. محمودی، زینب، ممبینی، ایمان. (۱۳۹۲). «بررسی برخی عوامل مؤثر بر کنش‌های

- فردگرایانه». پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. شماره ۵. ص ۳۷-۵۲.
۵۱. مراغی، احمد مصطفی. (۱۹۸۵ م). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۵۳. معیدفر، سعید، صبوری خسروشاهی، حبیب. (۱۳۸۹). «بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده». پژوهش‌های جامعه‌شناختی. شماره: ۴. ص ۹۳-۱۱۰.
۵۴. مغنیه، محمدجواد. (۱۹۹۰ م). تفسیر الکاشف. بیروت: دار العلم للملایین.
۵۵. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). الاختصاص. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۵۶. النسائی، أحمد بن شعيب. (۱۴۱۱ ق). السنن الكبرى، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۵۷. النیسابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۲ ق). صحیح مسلم. قاهره: دارالحديث.
۵۸. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن. قم: بوستان کتاب.
۵۹. هفرن، کیت و ایلونا بونیول. (۱۳۹۷ ش). روان‌شناسی مثبت‌گرا؛ نظریه‌ها، پژوهش‌ها و کاربرت‌ها. ترجمه محمدتقی تبیک و محسن زندی. قم: دارالحديث.



